

سخن سردبیر

از مهمترین اهداف کلام اسلامی، تبیین عقاید دینی و تثبیت آن به وسیله پاسخگویی به شبهات مخالفان است. علی رغم وجود آثار گرانمایی چون تجرید الاعتقاد، کشف الاسرار و احقاق الحق در سنت کلام اسلامی، این علم شریف در دوران معاصر مورد بی مهری و کم توجهی قرار گرفته و از میان علوم رایج و رسمی علوم دینی کنار گذاشته شده است. تلاش های پراکنده کسانی چون سید جمال الدین اسدآبادی، سید هبه الدین شهرستانی و استاد شهید مرتضی مطهری نیز، که از پیشگامان ترویج علم کلام جدید به شمار می روند، نتوانسته است جایگاه واقعی آن را در میان حوزه های علوم دینی تثبیت کند. در جهان معاصر که جزمیت ارسطویی از عقاید و باورها رخت بر بسته و نسبت مطلق جایگزین آن شده است، دفاع از جاودانگی دین و احیای معارف و اصول دینی جز در فضای گفتمان عقل محور امکان پذیر نیست. عقل که خلیل نحوی آن را نقیض جهل می داند (معجم المقاییس اللغة، ۶/۴)، منشأ معرفتی است که انسان را به راه راست و عمل صالح رهنمون می کند. خداوند در قرآن کریم علت کفر و انحراف را عدم تعقل صحیح می داند (بقره ۱۶۴، آل عمران ۱۱۸، رعد ۴، مومنون ۸۰، نور ۶۱) و از منظر امام علی (ع)، لایه های پنهان حکمت به وسیله عقل بیرون می آید (اصول کافی ۲۸/۱). از این روست که عقل بنیان و اساس علم و دانش محسوب می شود که در صورت به کارگیری صحیح، صاحبش را به قول صحیح رهنمون ساخته (تحف العقول ۳۲۳) و اخلاق نیکو به او می آموزد (ارشاد القلوب ۱۹۹/۱) و بی جهت نیست که از منظر قرآن کریم از کار انداختن عقل، عامل اصلی بدبختی دوزخیان است (ملک/۱۰).

البته پذیرش عقل به عنوان مرجعی در تشخیص حق و باطل و درست و نادرست، به منزله تأیید عقل‌گرایی افراطی که عقل را برای تأمین سعادت بشر کافی دانسته و نقش آموزه‌ها و معارف دینی را در شکوفایی قدرت تعقل انکار می‌نماید، نیست. حقایق بیان شده توسط انبیاء عظام و امامان معصوم به منزله مواد اولیه و عناصر تشکیل‌دهنده استدلال‌های عملی است و چنانچه امام علی (ع) می‌فرمایند: «پیامبران آمده‌اند تا گنجینه‌های عقول را بر آدمیان آشکار نمایند» (نهج البلاغه خطبه ۱)، بدین شکل، ایمان دیگر نه تنها امری فوق عقل و استدلال، و خداوند موجودی دور از دسترس و فهم بشریت نیست؛ بلکه خود زاییده تفکر و شناخت است. حضور عقل در کنار شرایع به مانند منبع نوری است که انسان را به چشمه جوشان شریعت هدایت می‌کند.

با این وصف، استدلالات عقلی که با چنین فرایندی شکل می‌گیرند، دارای توانایی بالقوه در فراهم ساختن زبانی جهانی و قابل فهمند. چنین زبانی قادر است اخلاق زیستی سکولار را - که به لحاظ معرفت‌شناسی، مسیر ملاحظات بین‌المللی را در مورد مسایل فن‌آوری‌های نوین، به‌خصوص در علوم زیستی و زیست‌پزشکی تبیین می‌نماید - به چالش بخواند. آنچه به شدت در جوامع اسلامی احساس می‌شود، نیاز به تشریح این مسأله است که احکام اخلاقی ناشی از استدلالات عقلی در اسلام دارای زمینه‌ای مشترک با اخلاقیات زیستی سکولار است؛ همین زمینه مشترک می‌تواند فرصتی را فراهم آورد تا به منظور حمایت از کرامت انسانی و پیشرفت سلامتی روانی و جسمی وی، گفتگویی با سازمان‌های بین‌المللی از قبیل سازمان جهانی بهداشت و سازمان یونسکو صورت گیرد. جهانی شدن مسائل زیستی، جوامع اسلامی را بر آن می‌دارد که با توجه به حساسیت‌های دینی و فرهنگی خود با رویکردی عقلی به بحث و مجادله با مروجین اخلاقیات سکولار

بپردازند. پذیرش این نکته بدین معناست که به منظور مشارکت در گفتگو با متخصصان اخلاقیات زیستی سکولار و پیروان سایر ادیان، نیازمند پژوهشی فراتر از فتاوی متداول فقهی هستیم؛ به تعبیری دیگر در بیان احکام صادره در خصوص اخلاقیات زیستی، در کنار فتاوا، نیازمند استدلال‌های جامع عقلی برای تبیین و تثبیت مواضع خود در جوامع بین‌المللی هستیم. بی‌شک این ظرفیت با توجه به منابع غنی و سرشار اسلام، که شکوفایی عقل در جهان مرهون آن است، به تمام و کمال در میان اندیشمندان اسلام وجود دارد.

سردبیر